

## تفسیری بر دعای ندبه (جلسه نوزدهم)

### آل عمران در قرآن

امروز در مورد بخش دوم از این فراز دعای ندبه صحبت می‌کنیم: «وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِذَاءً وَ وَزِيرًا»؛ «و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی.» اشارات و روایات در مورد شباهت حضرت هارون و امیرالمؤمنین فراوان است، یکی از آنها به بحث «آل عمران» مربوط است. «آل عمران» سه معنا دارد:

۱. یک معنی آن مربوط به حضرت مریم و فرزندان ایشان است؛ چون نام پدر حضرت مریم، عمران است؛

۲. در موردی دیگر، منظور حضرت موسی و هارون است؛ چون نام پدر ایشان نیز عمران است؛

۳. سومین مورد که بیشتر از سایرین به ما مربوط می‌شود در مورد امیرالمؤمنین است؛ زیرا نام پدر ایشان نیز عمران است و ابوطالب کنیه‌ی ایشان است. از این جهت آل عمران، می‌شود آل ابوطالب.

در منابع اسلامی نسب حضرت موسی را اینگونه ذکر کرده‌اند: موسی بن عمران بن یصهر (این فرد در نسب‌شناسی عبری ایشان نیست) بن قاهت بن لاوی بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم. نسب حضرت هارون (آرون در تورات) در تورات: هارون مانند حضرت موسی فرزند عمران و یوکابد و برادر مریم (مریم) است. ایشان یک یا سه سال از حضرت موسی بزرگتر است. حضرت هارون همیشه همراه حضرت موسی بود و هر دو رسول خدا بودند. در تاریخ تعداد فرزندان حضرت ابوطالب (عمران) اینگونه نقل شده است: طالب، عقیل، جعفر، حضرت علی و سه دختر به نام‌های جومانه و فاخته (أم هانی) و أم طالب.

### حدیث منزلت

پیامبر در حدیث منزلت به امیرالمؤمنین فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»؛ «تو نسبت به من به منزله‌ی هارون نسبت به موسی هستی، جز اینکه بعد از من پیامبری

پیامبر تنها دو فرق بین حضرت هارون و امیرالمؤمنین ذکر می‌کنند که بسیار قابل توجه است: پیامبر نبودن و زنده بودن حضرت علی بعد از پیامبر. این حدیث علاوه بر فضیلت امام‌علی بر خلافت و عصمت ایشان نیز دلالت دارد؛ زیرا همانطور که گفته شد، پیامبر به جز دو مورد، همه‌ی ویژگی‌ها و فضایل هارون را برای امیرالمؤمنین اثبات کردند. پیامبر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف از جمله در روز پیمان برادری اول (پیش از هجرت) و روز پیمان برادری دوم (پنج ماه پس از هجرت به مدینه) در منزل أم سلمه، هنگام انتخاب سرپرست برای دختر حمزه و از همه مشهورتر در غزوه‌ی تبوک و... این حدیث را خواندند و شیعه و سنی این حدیث متواتر را نقل کرده‌اند. در جنگ تبوک، پیامبر، امیرالمؤمنین را به عنوان جانشین خود در مدینه گذاشتند و خود همراه سپاه رفتند. منافقین در غیاب پیامبر شروع به شایعه‌پراکنی و دروغ‌سازی کردند (مثلاً در مورد اینکه رسول‌الله، حضرت علی را قبول ندارند که ایشان را همراه خود نبردند یا ترس امیرالمؤمنین از جنگ) وقتی حرف و حدیث‌ها به اوج رسید، امیرالمؤمنین لباس رزم پوشیدند و خود را به سپاه و پیامبر رساندند. پیامبر بعد از خواندن حدیث منزلت به جانشینی امیرالمؤمنین و هارون بودن ایشان برای خود، تأکید کردند و ایشان به مدینه بازگشتند. حضرت هارون تا آخرین روز حیات خود واجد منزلت جانشینی حضرت موسی بود و مردم باید در غیاب حضرت موسی به ایشان رجوع می‌کردند؛ اما مردم تخطی کردند و به سمت سامری رفتند. درست مانند کاری که مسلمانان بعد از شهادت رسول‌الله کردند.

## شرح صدر؛ لازمه‌ی رسالت

وقتی خدا به حضرت موسی فرمود: «به سوی فرعون برو که طغیان کرده است.» (نازعات / ۱۷) حضرت موسی برای انجام این مأموریت، خواسته‌ها و لوازمی از خدا خواست. فرمود: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي...»؛ «گفت: "پروردگارا سینه‌ام را گشاده کن و کارم را برآیم آسان گردان."» (طه / ۲۶ و ۲۵)

خدا در مورد پیامبر هم می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ؛ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»؛ «آیا ما سینه‌ی تو را گشاده نساختیم و بار سنگین تو را از تو برداشتیم؟ همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد.» (انشراح / ۳-۱)

یعنی شرح صدر، لازمه‌ی پیغمبری و به طور کلی لازمه‌ی هر رسالتی است؛ یعنی اولین مرحله در کار فرهنگی، شرح صدر، صبر، تحمل، قدرت مدارا و گوش شنوا داشتن است. این امر در

کارهای مذهبی به خصوص مهدوی بسیار مهم است. کار فرهنگی و به خصوص مهدوی، سختی‌ها و موانع خودش را دارد که جز با سعی صدر به انجام نمی‌رسد؛ البته همه‌ی این سختی‌ها و موانع، امتحان است و ایمان ما در کار مهدوی تقویت می‌شود. نکته‌ی دیگر که نباید از آن غافل باشیم، سنگ‌اندازی‌های شیطان است؛ اما اگر شما مقاومت و ایستادگی کردید، خدا کوه را برایتان جا به جا می‌کند. شرح صدر نشانه‌ی لطف ویژه‌ی الهی است به همین دلیل خدا می‌فرماید: **«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...»**؛ «آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد...» (انعام / ۱۲۵)

اینکه خدا به پیامبر می‌فرماید: «بار سنگین را از دوش تو برداشتم» این کار به واسطه‌ی نظام سبب و اسباب و عموماً توسط حضرت علی بوده است. به نقل از تاریخ در اکثر موارد، بار و همّ و غمّ پیامبر را حضرت علی از دوش ایشان برمی‌داشت؛ یعنی امیرالمؤمنین **«کاشف الکرّب عن وجه النبی»** بود؛ یعنی عموماً امام‌علی در مرحله‌ی نخست و پس از ایشان جعفر، برادر امیرالمؤمنین و حضرت حمزه، عمویشان بار از دوش پیامبر برمی‌داشتند.

## سختی رسالت پیامبر

در ضمن خدا می‌فرماید: «این کار و رسالت آسان نبود و اگر عنایت ما نبود، کم‌رت را می‌شکست» **(الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ)**. شما ببینید پیامبر در میان چه کسانی مبعوث شده است تا به سختی کار ایشان پی ببرید. در جامعه‌ای که دختران را زنده به گور می‌کردند و زنان برای آنها مانند کالا و وسیله‌ی ارضاء غرایز بودند، پیامبر به زنان کرامت انسانی بخشید و تاج شرف بر سر آنها گذاشت. پیامبر در چنین جامعه‌ای بدون عصا ازدها کردن و معجزات اینچنینی، اصلاحات ایجاد کرد. اینکه معجزه‌ی پیامبر ما در چنین جامعه‌ای کتاب است، بسیار مترقی است.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه نوزدهم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، آبان ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](mailto:@Mahdian)